

بازشناسی مراتب ادراک معنا در معماری مساجد عصر صفوی در اصفهان بر اساس نظریه ملاصدرا

(نمونه موردی: مسجد امام، مسجد حکیم و مسجد شیخ لطف الله)

الهام جعفری

استادیار گروه معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

مهدیس ابراهیمی مطلق

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

چکیده

اساس مباحث معرفتی ملاصدرا بر پایه نظریه حرکت جوهری استوار است که در آن زمینه تکامل نفس، از مرتبه حس به عقل، فراهم می شود. با تکیه بر این نظریه، ارتقاء ادراک در مساجد، مستلزم حضور و حرکت فعال مخاطب در فضاهای معماری است. در این حضور مراتب مختلفی از حرکت بر فرد حاصل می شود که ادراک وی را با توجه ظرفیت وجودیش، از سطح مادی به معنوی ارتقاء می دهد. همچنین از نظر ملاصدرا، جمال دارای عینیت است و لذا می توانیم از اصالت زیبایی در فلسفه او سخن بگوییم. با توجه به نظریه اصالت وجود ملاصدرا و تعریف ماهیت و وجود، زیبایی را می توان به دو نوع ظاهری (کثرت) و جوهری (وحدت) تقسیم نمود. با عنایت به اهمیت این موضوع، هدف این پژوهش شناسایی اقسام حرکتی در فضاهای معماری و واکاوی نحوه ارتقا ادراک در مساجد است؛ حال پرسش کلیدی این است که: مقوله هنر و زیبایی از نگاه ملاصدرا چه تاثیری بر معماری عصر صفوی داشته؟ و سیر در مراتب مختلف ادراکی مساجد صفوی، چگونه باعث ارتقای ادراک از ماده به معنا می شود؟ پژوهش کیفی حاضر، بین رشته ای با رویکرد تحلیلی-تفسیری و مورد پژوهی است. در ادبیات پژوهشی، ابتدا هنر و زیبایی از نگاه ملاصدرا و تاثیر آن در معماری عصر صفوی و سپس به واسطه تحلیل متون فلسفی و با تکیه بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، مراتب ادراکی و اقسام حرکتی تبیین شده و در فضای مساجد مورد واکاوی قرار گرفته است؛ در نهایت، با دیدی تفسیری و از طریق مورد پژوهی، جایگاه حرکت در مراتب ادراکی سه نمونه از مساجد عصر صفوی در اصفهان، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که با عنایت به نظریه حرکت جوهری، با حرکت ناظر در فضاهای مساجد، از جمله مسجد حکیم، مسجد امام و مسجد شیخ لطف الله اصفهان، در گذر زمان، مراتبی از حرکت بر فرد مترتب می شود که در ابتدا متعلق به امور مادی و صوری است، اما در مراتب بالای حرکتی و تکامل جوهر نفس آدمی، ادراکات به لایه باطنی تعلق می گیرد.

واژگان کلیدی: ملاصدرا، مراتب ادراک معنا، مساجد عصر صفوی، معماری عصر صفوی

مقدمه

صدرالدین شیرازی از بزرگترین فیلسوفان اسلامی است که نظریات او می تواند دست یابی به بینش صحیحی از هستی را مقدور نماید. از بعد هستی شناسی تاکید سنت گرایان بر کمال موجود در هستی مطلق یا خداوند به عنوان سرچشمه همه زیبایی هاست. پیغمبر اکرم فرمودند: "ان الله كتب الاحسان علی کل شیء" کمال یا زیبایی شیء در حمد و ثنای آن از پروردگار است. یا به عبارت دیگر یک شیء کامل یا زیباست تا حدی که یک صفت الهی را متجلی سازد. پس ما نمیتوانیم کمال هیچ شیء را دریابیم مگر اینکه بدانیم چگونه آن شیء میتواند آینه صفت خداوند باشد. (جعفری، ۱۴۰۱)

در معماری عصر صفوی نیز همچون سایر هنرهای آن دوره، دارای جنبه های معنایی هستند که رابطه مستقیم با باورهای شیعی آن عصر دارد. عمیق ترین نوع این رابطه ها را می توان در بناهای مذهبی دوره صفویه جستجو کرد. در مواجهه با این بناها، درک مادی برای دریافت معانی کفایت نم یکنند (دری و طلیسچی، ۱۳۱۱: ۱۱) و توجه به امور فراتر از ماده، لازمه دریافت این معانی است معماران مسلمان عصر صفوی در پی این بوده اند که با امتزاج تفکر شیعی با معماری بناهای مذهبی، زمینه ارتقای ادراک و سیر معنوی در فرایند ادراک را فراهم سازند. (مرادی نسب و همکاران، ۱۳۱۱؛ البرزی و همکاران، ۱۳۱۱) محتمل ترین محمل برای وصول این سیر ادراکی، مسجد است. (اطمینان و همکاران، ۱۳۱۱) در واقع، مسجد تسهیل کننده عروج ادراک ناظر از نازلترین مرتبه مادی به عالی ترین مراتب معنایی است. (صاحب محمدیان، ۱۵: ۱۳۳۱)

در این نوشتار نظرات وی را در خصوص هنر و زیبایی مطالعه می نماییم، تا بتوانیم علاوه بر آگاهی در این خصوص کاربرد آن را در معماری بیابیم. در این نوشتار جهت تبیین سیر ادراکی در مساجد صفوی، ابتدا هنر و زیبایی در نظریه ی ملاصدرا و سپس سیر معنوی (از ماده به معنا) در ادراک مساجد صفوی و ارتباط این دو با معماری مساجد عصر صفوی شرح داده شده است. پرسش اصلی که در این پژوهش مطرح است این است که: مقوله هنر و زیبایی از نگاه ملاصدرا چه تاثیری بر معماری عصر صفوی داشته؟ و سیر در مراتب مختلف ادراکی مساجد صفوی، چگونه باعث ارتقای ادراک از ماده به معنا می شود؟

پیشینه تحقیق:

پژوهش های صورت گرفته در باب حرکت در ادراک :

محقق	زمینه پژوهش (نتایج)	عنوان پژوهش / فصلنامه / شماره
بنی اسدی باغمیرانی و همکاران ۱۴۰۲	در این پژوهش، در فضای مساجد ارکان ادراکی تبیین شده است؛ که نوع حرکت در این ارکان، کیفیت ادراکی افراد تحت تأثیر قرار میدهد (حرکت بصری در رکن مکث، حرکت بصری، فیزیکی و ذهنی در رکن انتقال، حرکت ذهنی در رکن وصل، حرکت ذهنی در رکن وحدت)	بررسی نقش حرکت در ارتقاء ادراکی مساجد مبتنی بر آرای ملاصدرا/ فصلنامه ی علمی مطالعات میان فرهنگی/ سال هجدهم ۱۴۰۲ / شماره ۵۴
مهدوی نژاد و ناگهانی ۱۳۹۰	جایگاه حرکت در ادراک معماری (تبیین اقسام حرکت در فضاهای معماری)	تجلی مفهوم حرکت در معماری معاصر ایران/ مطالعات شهر ایرانی-اسلامی/ شماره ۳، دوره ۲

طیسی و فاضل نسب ۱۳۹۱	بررسی زمینه های فکری اصل سلسله مراتب در اندیشه ی حاکم در عصر صفویه، بر شکل گیری نظام حرکتی در ورودی مساجد	بازشناسی نقش و تاثیر جریان های فکری عصر صفوی بر شکل گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان/نشریه هنرهای زیبا/دوره ۱۷، شماره ۳
نجفی افرا ۱۳۸۸	تاثیرگذاری حرکت بر ادراک، مبتنی بر آرای ابن سینا (نتایج حرکت در سه مرتبه تعریف می شود، دوم اینکه حرکت امر غایتمند است، سوم اینکه هر حرکتی در بستز زمان اتفاق می افتد)	معنی و جود حرکت در فلسفه ی ابن سینا/فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت/شماره ۲۰، دوره ۷
Morris, 1971	معنای حاصل ادراک به واسطه حرکت و گذر زمان (معنای حاصل از ادراک در دو سطح و متکی بر عوامل درونی و بیرونی تعریف شده است).	Writings on the General Theory, of signs. Mouton: Den Haag
Chan, 2012	حرکت در طراحی (تاثیرگذاری مفهوم حرکت بر ادراک، چه در قالب طراح، چه در قالب مخاطب فضا)	Motion in design/ Retrieved from: http://www.public.iastate.edu.)2018.3.12)
Harris, 2002	معماری و حرکت (مطرح کردن ایده هایی در مورد سیالیت و حرکت در صدا، تصویر، و فضا)	Architecture and Motion/ Proceedings of the Arts/ Germany. Research
آصفی و همکاران ۱۳۹۶	جایگاه حرکت نفس در مراتب ادراکی (تبیین مراتب ادراکی در فضاهای معماری با عنایت به مفهوم حرکت)	حرکت تکاملی نفس آدمی در فضاهای مسجد بر مبنای آرای ملاصدرا/ فصلنامه کیمیای هنر/ شماره ۲۲، دوره ۶.
شجاری و همکاران ۱۳۹۷	جایگاه حرکت در سیالیت فضای مساجد(تبیین مراتب ادراکی در فضاهای معماری با عنایت به مفهوم حرکت)	مراتب ادراکی فضای سیال در مسجد جامع تبریز، با نگاهی به مفهوم حرکت در آرای ملاصدرا/ حکمت معاصر/ شماره ۲، دوره ۹.
صاحب محمدیان ۱۳۸۶	جایگاه سلسله مراتب و حرکت در ایجاد حریم ها (ورود به مساجد و سلسله مراتب حرکتی در آن، باعث ایجاد حریم در ذهن ناظر می شود).	سلسله مراتب محرمیت در مساجد ایرانی / نشریه هنرهای زیبا/ شماره ۲۹.
رحیمیان ۱۳۸۳	ادراک در همه فضاها متکی به حرکت است(از آنجایی که بناها ثابت و غیر متحرک هستند، ادراک کامل فضایی وابسته به حرکت ناظر از میان فضااست)	سینما معماری در حرکت/ انتشارت سروش/ تهران
مومنی ۱۳۹۰	ارزیابی ادراک حسی با عنایت به حرکت جوهری (مطابق حرکت جوهری ملاصدرا، مراحل ادراک با گذشت زمان از حس به عقل حرکت کرده و ادراک حضوری شکل می گیرد)	ارزیابی رویکرد صدراپی و اشراقی به فرآیند دیدن/ جاویدان خرد/ شماره ۱۸، دوره ۸.

عزیزی و ابراهیمی ۱۳۹۷	رابطه ی قوای نفس و حرکت جوهری (تبیین جایگاه قوای نفس در حرکت جوهری و تاثیراتش در مراتب ادراکی مخاطب، در گذر زمان)	رابطه ی نفس و قوا از دیدگاه ملاصدرا و آقا علی زرنوزی/ پژوهش های فلسفی/ شماره ۲۳، دوره ۱۲
مختاری ۱۳۹۹	تاکید بر ناتوانی حس در ادراک (ملاصدرا هم راستا با ارسطو، حس را ابزاری می داند و نه خود ادراک، و ادراک را مستلزم حرکت می داند)	بررسی مقایسه ای نظر ارسطو، ابن سینا و ملاصدرا درباره کارکرد ادراک حسی و میزان معرفت بخشی آن/ حکمت صدرایی، شماره ۲، دوره ۸
حسینی و اسکندی ۱۳۹۶	برتری ذهن بر عین در ادراک حضوری، به واسطه حرکت جوهری (براساس اندیشه ملاصدرا، ادراک در حضور ماده را، آمیخته با عوارض تعریف می کند، و فاعلیت ذهنی به جهت ارتقا ادراک لازم می داند)	بررسی تطبیقی فاعلیت ذهن در فرایند ادراک از دیدگاه ملاصدرا و هوسرل/ حکمت صدرایی/ شماره ۱، دوره ۱
Gallagher 2005	ادراک و حضور بدن در فضا (ادراک در برگیرنده هر دو عنصر انسان و فضای اطرافش است که به میزان حرکت فرد و گذر زمان در فضا بستگی دارد)	How the Body Shapes the Mind?/ Oxford/Clarendon Press

جدول ۱- (منبع: نگارندگان)

مبانی نظری تحقیق:

اساس ادراک در فضاهای معماری و ارتقاء آن از سطح ماده به معنا، مستلزم حرکت در دو قالب فیزیکی و ذهنی است. ادراک افراد هرگز نمی تواند منفک از محیط و فضای پیرامونشان باشد (عسگری و فتحی، ۱۴۰۰). اگرچه معماری دارای ساختاری مادی است، اما می تواند مراتب ادراکی افراد را، در گذار و حرکتی تدریجی مطابق با نظریه حرکت جوهری از مرتبه مادی به مرتبه ای باطنی هدایت کند و فهم ادراکات معنوی در مراتب عالیه را تسهیل کند (نصر ۱۳۸۰؛ خاتمی ۱۳۹۰) برای فهم عمیق معانی از فضاهای معماری، تنها از طریق عناصر کالبدی (مادی) و به مدد حواس پنجگانه، انتظاری غیرمعقول محسوب می شود (دری و طلیسچی، ۱۳۹۷) چرا که فضا به عنوان جوهره اصلی معماری واجد دو ویژگی صورت و معنا است که برای درک معنوی از این فضاهای معماری، نیازمند حضور فعال از سمت افراد است (شجاری و همکاران، ۱۳۹۷) از طرفی دیگر در حکمت متعالیه، مباحث معرفتی بر پایه و اساس حرکت شکل گرفته است.

با حرکت مخاطب از فضایی به فضای دیگر، ادراک وی متحول می شود (طیبی و فاضل نسب، ۱۳۹۱) این تحول و ارتقاء ادراک به طور ویژه در فضاهای قدسی، به دو عامل بستگی دارد:

۱- به نحوه ارتباط فرد با فضا

۲- میزان حضور فرد در آن فضا بستگی دارد (Gallagher, 2005; Gibson, 1950).

بر پایه نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، فضاهای معماری در مراتبی، تدریجاً می تواند درک ناظر را از ساحتی مادی به ساحتی معنوی وصل کند (نصر، ۱۳۸۰؛ وثیق، ۱۴۰۰: 36). شرح این سیر معنوی در فضاهای معماری، به اصل حرکت و اقسام آن در ساختارهای فضایی عنایت دارد

روش تحقیق:

تحقیق حاضر که به روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مورد پژوهی بر پایه مدارک و اسناد کتابخانه ای به انجام رسیده است، در

بخش مبانی نظری، ابتدا از طریق تحلیل متون فلسفی، جایگاه مراتب ادراک از ماده تا معنا را بر اساس نظریه حرکت جوهری ملاصدرا در مباحث معرفتی فلسفه شرح داده است. سپس براساس نظریه مذکور، اقسام حرکت در فضاهای معماری دسته بندی شده، و نهایتاً براساس همین تقسیم بندی، مراتب ادراکی در فضاهای معماری شرح داده شده است. حرکت مفهومی است که در فلسفه و معماری قرابت زیادی به مباحث معرفتی و ادراکی دارد. نگارندگان در این پژوهش قصد دارند از طریق بازخوانش مباحث معرفتی ملاصدرا، ابتدا تاثیر نگاه این عارف نامی را در هنر و زیبایی فضاهای معماری عصر صفوی و در آخر جایگاه مفهوم حرکت در مراتب ادراکی مساجد را مورد واکاوی قرار دهند.

ادبیات نظری:

مطابق با مشرب فکری ملاصدرا در مباحث معرفتی، ادراک فضاهای معماری بر پایه حرکت استوار است. با حرکت مخاطب از فضایی به فضای دیگر، ادراک وی متحول می شود (طیسی و فاضل نسب، 1391). این تحول و ارتقاء ادراک به طور ویژه در فضاهای قدسی، به نحوه ارتباط فرد با فضا و میزان حضور فرد در آن فضا بستگی دارد.

عصر صفوی:

تاریخچه:

پس از فروپاشی حکومت ایلخانی، قلمرو ایرانی ایشان در اختیار و تسلط حکومت های محلی مستقل قرار گرفت. زمانی که شاه اسماعیل - بنیان گذار سلسله صفویه برای کسب قدرت به پاخواست، چنین قدرت متکثری در ایران پراکنده و حاکم بود (نوایی و غفاری فرد، ۱۳۸۱، ۳۱).

بازخوانی تاریخ صفویان آشکار می سازد که علیرغم جنگ های متعدد داخلی و خارجی، این دوره را می توان از نظر سیاسی و اجتماعی، یکی از بهترین ادوار تاریخ دوره اسلامی ایران برشمرد. تشکیل حکومت مرکزی، نخستین و مهمترین ویژگی این دوران، در قیاس با ادوار گذشته است. ثبات و اقتدار حکومت، امنیت را برای مردم به همراه آورد و به تدریج، کسب و کار رونق یافت و وضع معیشتی مردم به سامان گشت.

اوضاع اعتقادی-سیاسی:

بدون شک، شکل گیری حکومت صفویه در ایران در قالب یک دولت شیعه اثنی عشری را، باید یکی از مهم ترین فصول تاریخ ایران و اسلام به شمار آورد؛ زیرا تلاش و مبارزات شیعیان، بیش از نه قرن ادامه یافت تا آن که مذهب شیعه، دین رسمی ایران شد (مزاوی، ۱۳۶۸، ۲۸). شناسایی رسمی مذهب شیعه، به مکتب امامت بعدی سیاسی بخشید و در نوزایی حقیقی ایران در عهد شاه عباس اول سهمی بر عهده داشت (استیرلن، ۱۳۷۷، ۲۵). یکی از مهم ترین عواملی که زمینه را برای فراگیر شدن تشیع فراهم ساخت، تصوف بود. بدین ترتیب از مهم ترین نیروهای دخیل در شکل گیری این دوره تاریخی است. بعضی از طریقت های تصوف با گرایش های باطنی شیعی، ایران را از یک سرزمین سنی مذهب به یک مملکت کاملاً شیعی مذهب تبدیل کردند (همان، ۱۳۳۶). با گسترش تفکر شیعی در ایران و اشاعه علوم مذهبی، شخصیت های برجسته ای چون میرداماد و ملاصدرا تربیت یافتند. به همین خاطر به کمک متفکران و فیلسوفان این دوره، به تدریج زمینه برای ترکیب و تلفیق مکاتب مختلف تفکر اسلامی در زمینه و بافت تشیع حاصل شد (همان، ۱۳۳۹). باعث شد تا الهیات شیعه به وسیله عرفا و فیلسوفان ایرانی بسط یابد. معنویت والای این متالین، بخشی بر پایه سنت های بازمانده از امامان و بخشی دیگر سرچشمه یافته از آثار فیلسوفان اشراقی، مانند سهروردی است که فعالیتش سال های دراز در اصفهان تمرکز داشت. این سنت معنوی، به هنگام نوزایی دوره صفوی، رونق درخشانی می یابد و جریان فکری اصیلی در پدیده ای که مکتب اصفهان نامیده می شود ایجاد می کند (همان، ۱۳۴۰).

معماری و هنر

در اثر توجه پادشاهان صفوی و خلاقیت معماران، مکتب اصفهان شکل گرفت که باعث تمایز میان این مکتب با معماری ادوار گذشته گردید. به عبارت بهتر، در این دوره، معماری از یک امر ارگانی که صرفاً براساس نیازهای طبیعی شکل می گرفت؛ به معماری خردگرا بدل شد که واجد ارزش های فلسفی، هنری و فنی است (طیسی، ۱۳۸۶، ۲۱۸). در این دوره با مطرح شدن اندیشه شیعی در جامعه و رسمیت یافتن تشیع و با وجود تفکرات خاص حاکم بر زمان، از لحاظ علمی، فلسفی و سیاسی با دوره متفاوتی روبرو هستیم که تأثیر مستقیم بر هنر و معماری گذاشت. به تأسی از اندیشه ی اشراقی و بینش عرفانی همه گونه های هنر ایرانی متأثر شدند و نقاشی و معماری با آن که در قالب زمان- مکان هستند و از این رو دو بعدی و سه بعدی اند، در این دوران به همین سبب شاهد فضاهای بسیار جدید شدند (خاتمی ۱۳۹۰، ۱۷۱). در آثار هنری این دوره از فرهنگ ایرانی، نه تنها شاهد گستردگی اندیشه های عرفانی در هنر، بلکه شاهد تنوع صور آن نیز هستیم (همان، ۱۵۵). در این میان، تشکیل حکومت واحد و مقتدر شاهان صفوی به بسط و گسترش هنر کمک موثری نمود. تقدید شاهان به تشیع و توجه آن ها به هنر، فرصتی را فراهم آورد تا معماری و دیگر هنرها به بهترین نحو در قالب ایده های مرتبط با جهان بینی خاص دوران بروز یابند. شاه عباس به عنوان یک مسلمان اثنی عشری مومن، می خواست شهر خود را بر اساس تصویر شهرهای بهشت که چه در قرآن و چه در متون حکمای عارف ایرانی ذکر شده است بنا کند (استیرلن، ۱۳۷۷، ۴۱). در دوران شاه عباس اول - نقطه اوج سلسله صفوی- بازخوانی مجدد حکمت ایرانی و جهت دهی به باورهای مذهبی، بار دیگر به معماری ایرانی هویت و تشخیص بخشید. معماری این دوران، نمایانگر عالی ترین شکل وحدت فرهنگ دینی اسلام با فرهنگ ایرانی است (خاتمی، ۱۳۹۰، ۲۱۲). آن چنان که از بررسی آرا و نظرات در تحلیل این دوره تاریخی برمی آید، معماری آن برآیندی از سه مقوله ی تشیع، اشراق (بر پایه حکمت ایرانی) و عرفان است؛ که به صورت یک کل واحد و منسجم در قالب نمادها و نمونها ظهور می یابد.

هنر و زیبایی:

هنر از نوع خلاقیت به معنای آفرینندگی، هم بدیع بودن و نوآوری و هم خلق کردن را به همراه دارد، آنگاه که زیبایی را در خلق خود به نمایش درآورد هنر را می توان به جهات گسترده تعریف کرد. هنر را می توان یک نوع تقلید از طبیعت خداوندگار و یا بیان احساس یا خیال هنرمند دانست؛ اما در هر صورت در تعریف هنر عنصری منحصربه فرد از زیبایی می توان دید، به بیان دیگر هنر زیبایی آفرین بدیع است (دبده و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲) هنر آن است که امری متخیل را صورت بندی کند، امر متخیل چونان شهودی است که در آن درک بیواسطه معنا ممکن میشود. این معنا نوعی استقلال و بسندگی را در خود و در نسبت با روح بشری دارا است و بر این مبنا صورت متخیل هنری می تواند قسم زنده ای از روح و فرهنگ بشری باشد. هنر وسیله ای است که انسان را مظهر یکی از صفات الهی و تجلی بخش صفت آفرینش و خلقت او در دنیای مادی می کند. هنر انسان ها به نمایش گذاشتن گوشه هایی از نورانیت و زیبایی خداوند که در وجود انسان ها به ودیعه نهاده شده است، می باشد (سلطانی، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

هنر و زیبایی از نگاه ملاصدرا:

ملاصدرا در جایی خداوند را منبع جمال مطلق دانسته و جمال مطلق را همان وجود حقیقی، یعنی خداوند قلمداد کرده است. (ملاصدرا: ۱۳۸۶، ۷۷) او در تعریف عشق حقیقی بیان می کند که نیل به خیر مطلق و جمال اکمل همان عشق حقیقی است و جمال اکمل نیز خداوند است (همان، ۱۶۰/۷؛ همو: ۱۳۵۴/۱۸۴) و در جایی دیگر بیان می کند که خداوند در بالاترین مرتبه از حیث شرف و جمال قرار دارد (ملاصدرا ۱۳۶۸، ۱۳۵/۶) حتی آنجا که حکم می کند خداوند اجمل از هر جمیلی است، (همو: ۱۳۵۴، ۱۵۶). با توجه به نظریه ای که در باب مشتق دارد می توان دریافت که جمال حق در مرتبه ای بالاتر از جمال موجودات واقع است، نه اینکه خداوند دارای وجودی است و این وجود وصفی زاید بر ذات با عنوان جمال دارد که از جمال وجودهای دیگر بالاتر است. با توجه به این عبارت ها درمی یابیم که از نظر ملاصدرا، جمال دارای عینیت است و لذا می توانیم از اصالت زیبایی در فلسفه او سخن بگوییم. اگر خداوند عین جمال است و تحقق دارد معلوم می شود که جمال دارای تحقق و عینیت است و این به معنای اصالت زیبایی است.

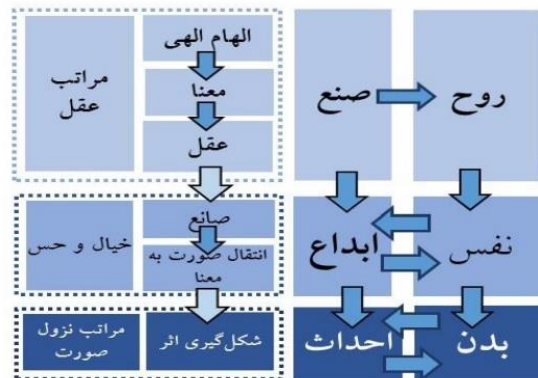
با توجه به نظریه اصالت وجود ملاصدرا و تعریف ماهیت و وجود، زیبایی را می توان به دو نوع ظاهری (کثرت) و جوهری (وحدت) تقسیم نمود. به این شرح که هندسه، نظم و زیبایی همه هستی در یک ارتباط سیستمی تعریف میشود و در نتیجه زیبایی هم چیزی فراگیر در همه هستی خواهد بود. این مفهوم به وحدت اشاره دارد. زیبایی جوهری به سرعت تغییرپذیر نیست و حرکت آن نیز یک حرکت جوهری است. اما زیبایی به عنوان ماهیت شی دارای کثرت است. هرچیز، زیبایی خاص خود را دارد که عامل تعیین کننده زیبایی آن، هندسه، رنگ، جنس، آرایش، تزیین و دیگر عرضیات آن خواهد بود. چنین زیبایی به مجرد هر تغییر کوچک در ظاهر جسم تغییر میکند و میتوان آن را یک زیبایی ظاهری دانست (جعفری، ۱۴۰۱).

ملاصدرا شاید تنها فیلسوف در عالم اسلام باشد که هنر را به عنوان صنعت شناخته؛ یعنی با دیدی زیباشناسانه به هنر، آن را به صنایع لطیفه تعبیر کرده و در عنوان، آن را از ریاضیات، آداب حمیده، علوم ادبی و فنون و صنایع دقیقه متمایز کرده است. از نظر او در جامعه ای که علوم و فنون مذکور و همچنین صنایع لطیف رواج داشته باشد و تعلیم و تعلم این علوم رایج باشد، زمینه تعالی و رشد معنویات و رواج احساسات پاک انسانی فراهم تر است (ربیعی، ۱۳۹۲: ۹۸-۹۵). ملاصدرا هم صنعت را هنر و هم هنر را صنعت می داند. وی صنعتگر را با توجه به تولیدات و ساخت و سازهایش، هنرمندی می داند که فعالیت زیبایی هایش کامال شناسانه است. ملاصدرا در بررسی هنری دیده و طی بحثی درباره رابطه صنعتگر با صنعت و مصنوع خویش، این رابطه را کاملاً هنری دیده و طی بحثی درباره انواع عشق ها و محبت ها به بررسی عشق انسان صنعتگر به مصنوع خود می پردازد. صنعت از دیدگاه ملاصدرا، عبارت است از وجود صورت مصنوع در نفس به صورت ملکه راسخی که بدون هیچ زحمتی صورتی از آن صادر می شود؛ از این رو هنر یک ملکه ی راسخ در نفس هنرمند خواهد بود که هرگاه هنرمند اراده نماید بدون نیاز به فکر و نه حتی از روی عادت، اثر هنری از او سر می زند. به نظر می رسد که بر این اساس می توان وجهی از هنر را تحت عقل نظری و وجهی از آن را از کارکردهای عقل عملی دانست. (انصاریان، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

صناعت در دوره ی صفوی:

در دوره ی صفوی صنعت اینگونه تعریف شد: اگر سه جنبه ی روح، نفس و کالبد را برای هر صنعتی در نظر بگیریم، باید بگوییم آفرینش شی در سه مرحله ی الهام، ابداع و عمل اتفاق می افتد. شکل گیری صنعت مبتنی بر چهار قسم است: مراتب عقل، خیال، حس، مراتب نزول صورت و منوط به تمامی آنها است.

صناعت انسان حسب ضرورت شخصی و صالح اوست و عمل او صنعت است. از تمرین، عمل حاصل آید و با نیروی عقل و اندیشه او تحقق می یابد. صنع، ابداع، احداث از مراتب ترتیبی صنعت هستند. باید گفت که عقل آبستن معانی است تا آن را به کار درآورد؛ پس سهم صانع در صنعت خویش وساطت از برای انتقال صورت است. صانع باید برای این امر آمادگی لازم را داشته باشد و شرط پیروی از عقل را به جای آورد تا صورت عقلی از واهب الصور به عقل هنرمند و از آنجا به خیال و از طریق قوای جسمانی به ماده پذیرنده صورت هبه شود (حسن زاده و همکاران، ۱۹۰۰: ۱۴۰۰).



شکل ۱-مراتبی که طی آن صنعت با وساطت صانع صورت می پذیرد (نگارنده)

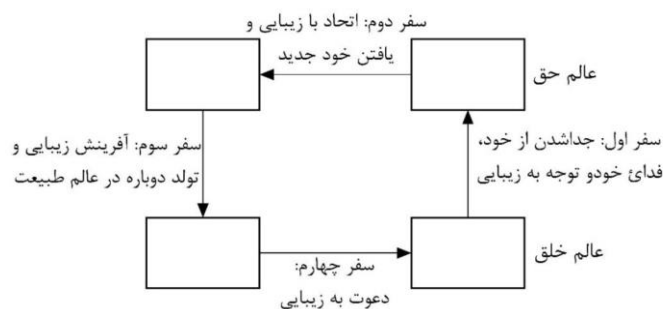
زیبایی از نگاه ملاصدرا:

با توجه به نظریه اصالت وجود ملاصدرا و تعریف ماهیت و وجود، زیبایی را میتوان به دو نوع ظاهری (کثرت) و جوهری (وحدت) تقسیم نمود. به این شرح که هندسه، نظم و زیبایی همه هستی در یک ارتباط سیستمی تعریف می شود و در نتیجه زیبایی هم چیزی فراگیر در همه هستی خواهد بود. این مفهوم به وحدت اشاره دارد. زیبایی جوهری به سرعت تغییرپذیر نیست و حرکت آن نیز یک حرکت جوهری است. اما زیبایی به عنوان ماهیت شی دارای کثرت است. هرچیز، زیبایی خاص خود را دارد که عامل تعیین کننده زیبایی آن، هندسه، رنگ، جنس، آرایش، تزئین و دیگر عرضیات آن خواهد بود. چنین زیبایی به مجرد هر تغییر کوچک در ظاهر جسم تغییر میکند و میتوان آن را یک زیبایی ظاهری دانست.

براساس اسفار اربعه ملاصدرا که انسان را در سفری از این عالم خلق به حق و مجدداً به عالم خلق میداند. میتوان زیبایی- شناسی وجودی را نیز در چهار مرحله ذکر کرد. که در آن با یک سیر پویا (دینامیک)، انسان ابتدا به حوزه زیبایی های حقیقی وارد میشود، آنها را کسب کرده و سپس دوباره به همین عالم بازمیگرداند. (جعفری، ۱۴۰۱)

این چهار سفر عبارت اند از:

- ۱- سفر اول: جدا شدن از خود و توجه به زیبایی (در عالم خلق)
- ۲- سفر دوم: اتحاد با زیبایی و یافتن خود جدید (در عالم حق)
- ۳- سفر سوم: آفرینش زیبایی و تولد دوباره در عالم طبیعت
- ۴- سفر چهارم: دعوت به زیبایی



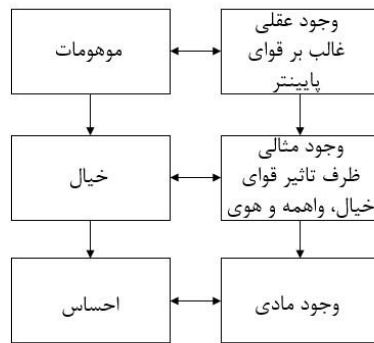
شکل ۲- (منبع: جعفری، ۱۴۰۱)

در معماری اسلامی -ایرانی همواره حدی از سلسله مراتب در جهت بازشناسی مقام سلسله مراتب در بستر فکری این دوره، به کنکاش در اصول سلسله مراتبی حاکم بر سه جریان فکری تأثیرگذار میپردازیم. گرچه به دلیل در هم تنیدگی مفاهیم، در واقع چنین انفصالی میان دیدگاه ها وجود ندارد؛ اما در جهت دستیابی به تفسیر آشکارتری از مفاهیم، آنها را در سر فصل های زیر دسته بندی می کنیم

سلسله مراتب از نگاه ملاصدرا:

هنر و معماری ایرانی اسلامی این دوران، جلوه های نمادین از حرکت کثرت جهان بیرون به وحدت در حضور خداوند خود می نماید که به خوبی در نظریات ملاصدرا قابل پیگیری است (خاتمی، ۱۳۹۰، ۱۹۸). ملاصدرا مراتب وجود را در سه مرتبه محسوس، متخیل و معقول طبقه بندی می نماید (ندیمی، ۱۳۷۸، ۸). نخستین منازل نفس انسانی، درجه محسوسات و سیر در عوالم اجرام و اجسام و مادیات است... بعد از درجه ی احساس، درجه خیال و تخیلات و ادراکات خیالی است... و در مرتبه سوم، درجه و مرتبه ی موهومات است

(ملاصدرا، ۱۳۷۵، ۴۶۶ و ۴۶۹) ملاصدرا بیان می دارد که مراتب واسطه، که از وجهی با مرتبه ی پایین تر و از وجهی با مرتبه بالاتر متشابه اند؛ همچون دانه های زنجیر مرتبط کننده و برقرارکننده ی ارتباط مراتب نا متجانس اند. وی متأثر از شیخ اشراق و با استناد به دیدگاه های وی اصل «وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» را اتفاقا با ابتدای بر تشکیک نور و وحدت «نورالانوار» در حکمت اشراق بنیان گذارد (بلخاری قهی، ۱۳۸۸، ۱۲۰).



شکل ۳- سلسله مراتب وجودی انسان از دیدگاه ملاصدرا (منبع: نگارنده)

بررسی جایگاه سلسله مراتب در معماری:

در نظر انسان سنتی، کل جهان به هم پیوسته و منشعب از یک نیرو بوده است. در نظام فکری او اندیشه ها نه در یک بعد بلکه در همه ابعاد نمود می یافتند. بدین ترتیب تفکرات حاکم بر جامعه در هنر و معماری زمان، فرصت تجسم می یافت. اصل سلسله مراتب یعنی ساماندهی و ترکیب فضاها و عناصر بر اساس برخی از خصوصیات کالبدی-کارکردی آنها که موجب پدید آمدن سلسله مراتبی در نحوه قرارگیری یا استفاده یا مشاهده عناصر شود (سلطان زاده، ۱۰۶، ۱۳۷۲). بدین ترتیب بروز اصل سلسله مراتب در معماری را می توان در دو وجه شکلی-مرتبط با عناصر معماری- و فضایی-مرتبط با فضای معماری- مشاهده نمود.

وجه شکلی اصل سلسله مراتب:

در معماری ایران برای تبدیل یک فرم به فرمی دیگر، از نوعی سلسله مراتب بصری استفاده می گردد تا این تبدیل و تغییر را در دید مخاطب آسان گرداند. به عنوان مثال، در اتصال ستون به سقف به وسیله سر ستون و یا تبدیل پلان مربع به فرم دایره ی زیر گنبد، به جنبه تدریجی در تبدیل فرم توجه شده است. در بسیاری از بناها در ایران، مقرنس برای ایجاد سلسله مراتبی جهت تسهیل بصری تبدیل سطوح عمودی دیوارها به سقف استفاده شده است.

وجه فضایی سلسله مراتب:

نوع دیگری از سلسله مراتب را می توان در تشکیل یک فضا مشاهده کرد. چنان که در طراحی یک ایوان یا اتاق، نوعی از مراتب فضایی وجود داشت که اساس آن بر اتصال، انتقال و وصول بود (اردلان و بختیار، ۷۱، ۱۳۸۰). این تداوم فضایی را باید حامل معنایی دانست که به همراه برآوردن نیازهای عملکردی و فضایی، به توالی و تسلسل حالات و احساسات خواهد انجامید و مخاطب را از مکانی به مکان دیگر و از ادراکی به ادراک دیگر منتقل می کند. علاوه بر این، ایجاد فضای انتقالی از جنبه روانشناختی حائز اهمیت است. سلسله مراتب به دو

امر مهم پاسخگوست: یکی کسب تدریجی شایستگی ها و بایستگی ها و دیگر اینکه شرایط باید به گونه ای باشد که انسان یکه نخورده و ضربه نامطلوب روانی و روحی بر او وارد نشود (نقیزاده، ۱۳۷۸، ۲۸)



مدرسه ضیائیه یزد (زندان اسکندر) / (منبع: نگارنده)

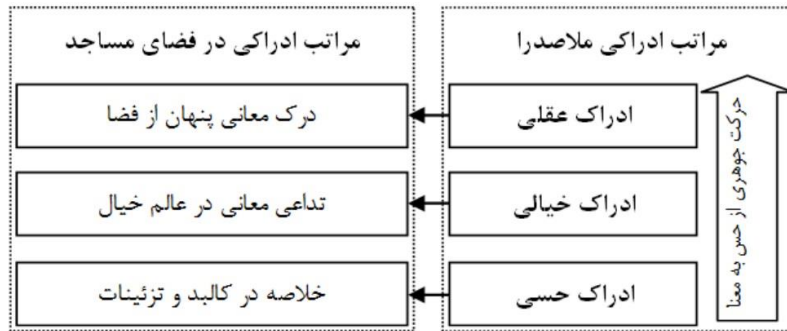


مسجد امام اصفهان / (منبع: نگارنده)

مراتب ادراکی در مساجد مبتنی بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا:

معماری مساجد به عنوان مهمترین بنا در شهرهای اسلامی، می بایست زمینه ارتقا معنوی افراد را فراهم سازد. کالبد مساجد جدا از معنا نیستند و در پس کالبدی که قابل رؤیت است، معنایی پنهان وجود دارد. در سایه نظریه حرکت جوهری، ناظر با رویت کالبد مسجد، در سیری تدریجی و پیوسته به نحوی که انقطاعی در آن حاصل نگردد (تمیمی و قراملکی، ۱۴۰۰) مراتبی از ادراک را تجربه می کند که در ابتدا محدود به حظ بصری از کالبد و نقش بر آن است، اما با توجه به ظرفیت وجودی هر فرد این مراتب ادراکی می تواند ارتقا پیدا کند و به معانی پنهانی و مراتب باطنی وصل شود (طیسی و فاضلنسب، ۱۳۹۱؛ مختاری، ۱۳۹۹). از طرف دیگر ملاصدرا نیز، نفس را ابتدأ در حالت قوه و فاقد هرگونه ادراکی می داند؛ اما ذیل نظریه حرکت جوهری و قوای نفس، سه مرتبه ادراکی حس، خیال و عقل را، تعریف می کند (نتاج، ۱۳۹۳؛ بهرامی و گوهری، ۱۳۹۸: ۱۷۲-۱۷۳) که می توان در شرح ادراک فضاهای مساجد از آن استفاده کرد.

در پایین ترین مرتبه ادراکی و ادراک حسی، دریافت افراد از مساجد صرفاً معطوف به درک مادی از طرح و نقش بر کالبد مسجد است؛ بنابراین در این مرتبه، فرد غرق در حظ بصری، از درک معانی پنهان در فضای مساجد، بی بهره است. گرچه در این حضور اولیه در مساجد، ناظر صرفاً متوجه کالبد و ادراکات حسی هست؛ اما در مرتبه خیال، از طریق تداعی معانی فرد با ارتقاء دادن جوهره نفس خویش (مطابق با نظریه حرکت جوهری)، در حضور ماده به عالم معنا وصل می شود؛ تا معانی عمیق تر از طرح و نقش مادی، در ذهنش نقش ببندد و وی را به معانی مجرد و پنهان هدایت کند (کلانتری و سعدوندی، ۱۴۰۰) در عالی ترین مرتبه، یعنی مرتبه عقل، دیگر از درک مادی خبری نیست (ملاصدرا، ۱۹۸۱ ج ۱: ۳۶۰-۳۶۲)، در این شرایط هم راستا با نظریه حرکت جوهری، ناظر با وسعت دادن به ظرفیت خویش، فارغ از عالم ماده، با معانی پنهان موجود در فضای مسجد، یکی و متحد می شود. این اتحاد در مرتبه ادراک عقلی را ملاصدرا به اتحاد عاقل و معقول تعبیر می کند (عزیزی علویچه و رفیعی علوی، ۱۳۹۷).



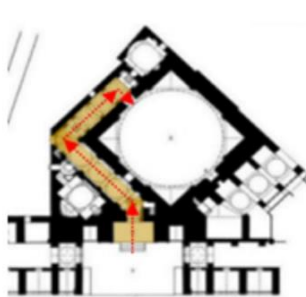
شکل ۴- مراتب ادراکی در فضای مساجد مبتنی بر آرای ملاصدرا

(مأخذ: اقتباس از نتاج، ۱۳۹۳، مختاری، ۱۳۹۹)

تحلیل تجربی نمونه های مساجد عصر صفوی:

ادراک معانی بالقوه نمادینی در مساجد تدریجاً صورت می پذیرد؛ این فرآیند تدریجی ادراک ناشی از حرکت در مساجد، به دو دلیل اهمیت دارد: اول، کسب شایستگی های حضور در ناظر؛ دوم این که، امکان ادراک عمیق را برای ناظر ایجاد می کند. در این بخش از پژوهش، نگارندگان در نظر دارند با توجه به نوع حرکت، مراتب ادراکی در مساجد امام، شیخ لطف الله و حکیم در اصفهان را مورد واکاوی قرار دهند.

در معماری عصر صفوی، نظام سلسله مراتبی حرکتی جدیدی در ورودی مساجد ابداع گردیده است که در نقشه مساجد امام، شیخ لطف الله و حکیم قابل مشاهده است در این نظام حرکتی جدید، با افزایش طول مسیر حرکت، بر شایستگی فرد جهت حضور در فضا می افزاید (مرادی نسب و همکاران، ۱۳: ۲۴)



مسجد شیخ لطف الله



مسجد حکیم



مسجد امام

شکل ۵- منبع نگارندگان

رکن مکث:



تحت تأثیر تزئینات مادی و کالبدی، در این رکن ادراکی، فرد فارغ از هرگونه درک باطنی و معنایی از فضای معماری است (سلیمانی؛ شیجانی و همکاران، ۱۳۹۳) نتیجه هیچ ارتقاء و حرکتی صعودی در ادراک وی وجود ندارد، زیرا آنچه که با ادراکات ناظر قرین است، ابعاد مادی فضا است؛ و هیچ بعد معنایی در ادراکات ناظر فعال نیست.

رکن انتقال:

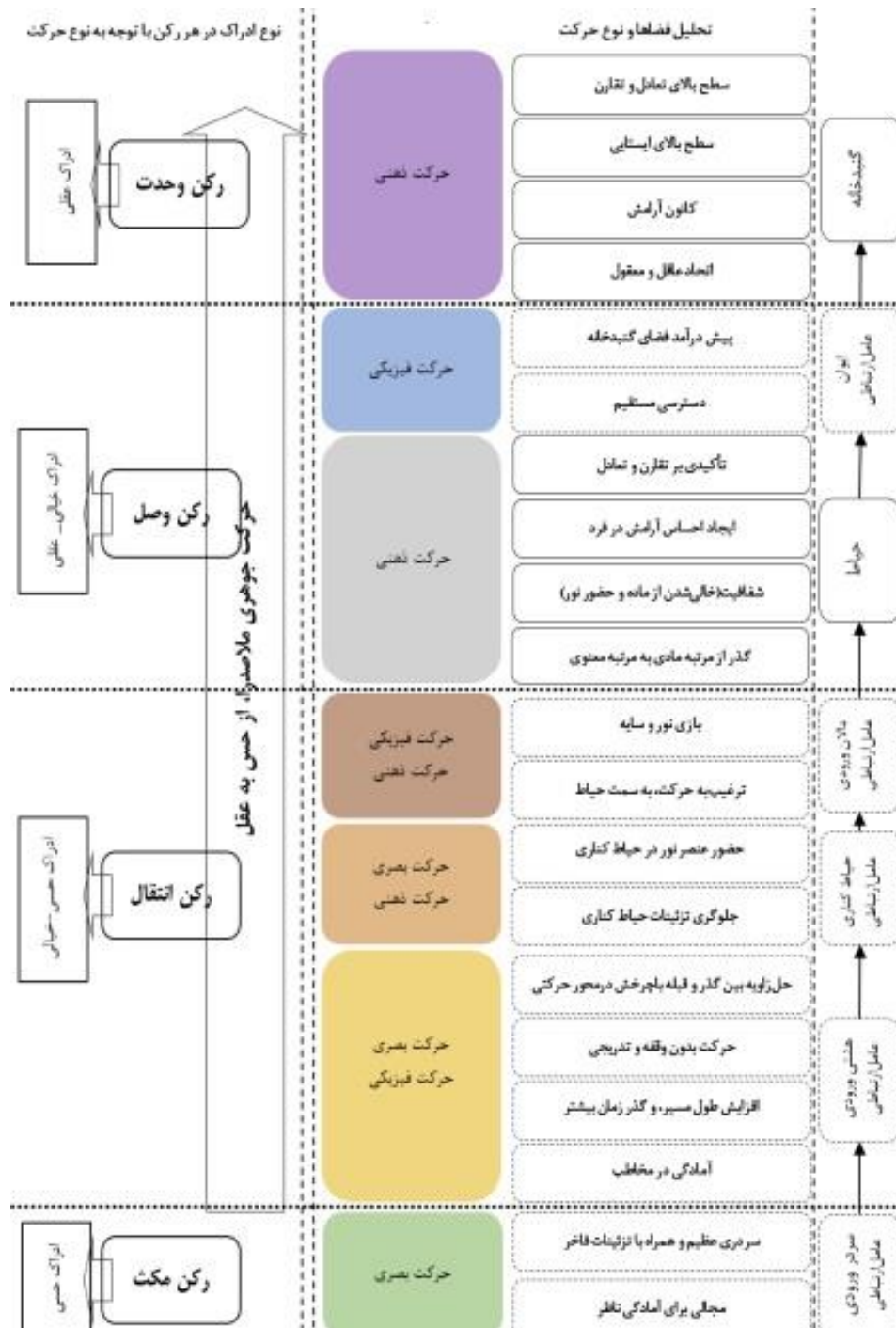
حقیقت ادراک در فضاهای معماری، در مرتبه حس متوقف نمی شود؛ و ناظر با عمیق شدن در ادراک حسی خویش، به واسطه مشاهده کالبد و تزئینات بر آن، صورت حاصله از دریافت های حسی را وارد ذهن می کند، تا به مدد قوه خیال، به معانی مجرد دست پیدا کند (کلانتری و سعدوندی ۱۴۰۰؛ میرهادی و نجفی، ۱۴۰۰).

رکن وصل:

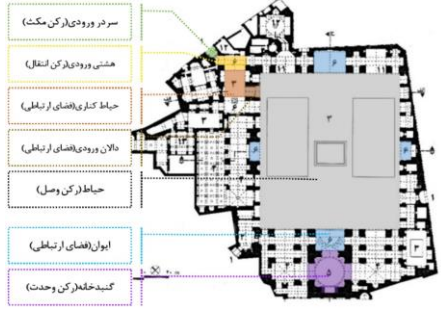

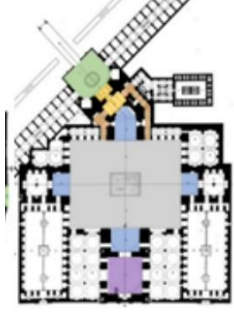
رکن وصل، جایی برای حضور مفهوم شفافیت و ادراکات مجرد، در قالب فضاهای تهی است. حضور نور در شفافیت فضاهای تهی، امری فرعی نیست، بلکه با حضورش، حقیقت موجود در فضا هویدا میشود. حضور این عنصر معنا بخش مقدور نمی شود، مگر با حذف ماده در فرآیند ادراک.

رکن وحدت:

اگر در پس ادراک حسی از فضاهای معماری، معانی پنهانی وجود داشته باشد، در این رکن هر فرد می تواند با توجه به سعه وجودی خودش، با این معنی پنهان متحد و یکی شود (سلیمانی، شیجانی و دیگران ۱۳۹۳؛ سلیمانی دره باغی، ۱۳۹۸) تا در بالاترین مرتبه ادراکی، به ادراک عقلی دست پیدا کند.



شکل ۶- مراتب حرکتی و و ادراکی در ارکان مختلف مسجد (منبع: نگارندگان)

مسجد حکیم	مسجد شیخ لطف الله	مسجد امام	دوره تاریخی
			عصر صفوی

شکل ۷- (منبع: نگارندگان)

بحث و نتیجه گیری:

با مروری بر مباحث معرفتی ملاصدرا، برای درک معنای پنهان در فضاهای معماری، نفس در حرکت جوهری خود، سیری از ظاهر به باطن را تجربه می کند. تجربه این مراتب ادراکی از ظاهر به باطن، در گروی پیمایش و حرکت در فضا است. این حرکت به تدریج (مطابق نظریه حرکت جوهری) آمادگی مخاطب برای ادراک باطنی فضایی را فراهم می سازد؛ یعنی هر فرد با توجه به ظرفیت وجودیش، در ابتدا حرکتی از جنس بصری و فیزیکی را آغاز می کند، که حاصلی جز ادراک حسی ندارد، اما اگر ادراکات وی عمیق تر شوند، و به مرتبه خیالی و عقلی تعلق بگیرند، نوع حرکت از جنس ذهنی و معنوی خواهد بود.

در این پژوهش؛ بر پایه اقسام حرکتی و مراتب ادراکی، چهار رکن ادراکی تبیین شده است. که این ارکان به شرح زیر می باشند:

(الف) حرکت بصری در رکن مکث: در این رکن، با حرکت چشم، ناظر از درگاه حس، به درک عناصر کالبدی و تزئینات در مساجد می پردازد که برای وی جز طرح و رنگ مادی، حاصلی ندارد.

(ب) حرکت بصری، فیزیکی و ذهنی در رکن انتقال: در رکن انتقال، ادراک در مرتبه ای بالاتر از ساحت حس صورت می گیرد. ادراک در ابتدا با قدم زدن ناظر در فضا و گردش چشمانش، شامل درک حسی از طرح و نقش های بر کالبد می شود، اما با عمیق شدن ناظر در ادراک فضا و تزئینات در آن، حرکت ذهنی ناظر به مدد قوه خیال آغاز می شود تا در حرکتی صعودی از این پدیده مادی برداشتی مجرد کند.

(ج) حرکت ذهنی در رکن وصل: با حذف ماده از توده بنا، امکان حضور فضای تهی و حیاط در بنا فراهم می شود. در رکن وصل با تکیه بر اصل شفافیت در فضاهای تهی، نور به عنوان تمثیلی الهی (با استناد به تفسیر آیه 35 سوره نور) به درون بنا راه می یابد تا فرد در حرکتی ذهنی، از ادراک مادی دست کشیده و به ادراک معانی بپردازد. این ادراک معانی ابتدا در مرتبه خیال است، اما با حضور عقل تعالی پیدا می کند.

(د) حرکت ذهنی در رکن وحدت: اوج ادراک در مساجد، در فضای زیر گنبدخانه به واسطه حرکتی ذهنی است. در این رکن ناظر با تجربه کردن تمام مراتب حرکتی در مسجد، از حرکت فیزیکی و بصری باز می ایستد تا با حرکت ذهن خود، با معانی پنهان و مستتر شده در

فضا یکی شود. در فرآیند ادراک، این اتحاد و یکی شدن با معانی مستتر را، ملاصدرا به اتحاد عاقل و معقول تعبیر می کند؛ درحقیقت، ناظر با صرف بیشتر زمان و حضور فعال ذهن خویش، ابعاد وجودی خود را برای ایجاد این اتحاد وسعت می دهد.

منابع:

- جعفری، الهام، (۱۴۰۱)، نگاه ملاصدرا به مقوله هنر و زیبایی و تاثیر آن بر طراحی معماری، مرکز تحقیقات مطالعات بافت های تاریخی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان
- دری، علی؛ طلپسچی، غلامرضا « (۱۳۹۷) کرانمندی و بیکرانی ساختار فضایی معماری اسلامی ایران در مساجد دوران صفوی (نمونه موردی مسجد شیخ لطفالله و امام اصفهان)، پژوهش های معماری اسلامی، دوره ۶، شماره ۴۰.
- مرادی نسب، حسین؛ بمانیان، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج. (۱۳۹۷). "بازخوانی اندیشه تشبیهی و تنزیهی در کالبد معماری مساجد مکتب اصفهان. (نمونه موردی: مسجد امام اصفهان)، نشریه هویت شهر، دوره ۱۲، شماره ۳۵: ۲۸-۱۹
- تمیمی، مجید؛ فرامرز قلاملکی، احد (۱۴۰۰). "چیستی "معرفت نفس" در صدرالمতالیهین"، حکمت صدایی، دوره ۹، شماره ۲: ۵۳-۶۵.
- شجاری، مرتضی؛ سلخی خسرقی، صفا؛ آصفی، مازیار (۱۳۹۷). "مراتب ادراک فضای سیال در مسجد جامع تبریز، با نگاهی به مفهوم حرکت در آراء ملاصدرا"، حکمت معاصر، دوره ۹، شماره ۲: ۱۷۶-۱۵۷
- صاحب محمدیان، منصور؛ (۱۳۸۶). "سلسله مراتب محرمیت در مساجد ایرانی". نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹: ۵۹-۶۸.
- عزیزی علویجه، مصطفی؛ رفیعی علوی، سید احسان (۱۳۹۷). "ترسیم الگوی مدیریت سازمانی بر اساس تعامل نفس"، خردنامه صدرا، دوره ۱۴، شماره ۹۱: ۷۵-۹۲.
- مطالعات میان فرهنگی"، « عسگری، علی؛ فتحی، راضیه (۱۴۰۰) "تأثیرپذیری و تأثیرگذاری معماری و شهرسازی از فرهنگ مصرفی معاصر دوره ۱۶، شماره ۱۳۲-۱۰۳: ۴۶.
- کلانتری، مائده؛ سعدوندی، مهدی (۱۴۰۰). "تشکیک در منشاء شباهت آثار هنر های اسلامی (براساس آراء ملاصدرا)", فصلنامه آرمان شهر، دوره ۱۷، شماره ۳۴: ۱۴۷-۱۵۶.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۰). معرفت امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزایی، تهران: نشر پژوهش فرزاد روز
- نوایی، کامبیز؛ حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۷۷). مساجد اصفهان، دفتر دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بنی اسدی باغمیرانی، مهدی؛ حسینی، سید بهشید؛ شاهچراغی، آزاده؛ "بررسی نقش حرکت در ارتقاء ادراکی مساجد، مبتنی بر آرای معرفتی ملاصدرا.(مورد پژوهی : مسجد حکیم).
- انصاریان، زهیر (۱۳۸۵)، بازشناسی عناصر فلسفه هنر برپایه مبانی حکمت صدایی، فصلنامه علمی-پژوهشی نقد و نظر، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره ۴۳-۴۴
- خامنه ای، سید محمد (۱۳۸۳)، حکمت متعالیه و ملاصدرا، تهران، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر

خامنه ای، سید محمد (۱۳۸۳) مکتب ملاصدرا و فلسفه های غربی، مجموعه مقالات منتخب دومین همایش جهانی حکیم ملاصدرا، تهران، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا

Gallagher, S. (2005). *How the Body Shapes the Mind?*, Oxford: Clarendon Press.

Gibson, J. (1950). *The perception of the visual world*, Boston: Houghton Mifflin



Recognizing levels of perception of meaning in the architecture of Safavid era mosques in Isfahan

(Case example: Imam Mosque, Hakim Mosque and Sheikh Lotfollah Mosque)

Elham Jafari¹, Mahdis Ebrahimi Motlagh²

1-Assistant Professor, Department of Architecture, Department of Architecture, Technical and Engineering Faculty, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

2-PhD student, Department of Architecture, Technical and Engineering Faculty, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

Abstract :

The basis of Mullah Sadra's epistemological discussions is based on the theory of essential movement, in which the field of evolution of the soul is provided from the level of sense to intellect. Based on this theory, improving perception in mosques requires the presence and active movement of the audience in architectural spaces. In this presence, different levels of movement are achieved on the person, which elevates his perception from the material level to the spiritual level, according to his capacity of existence. Also, according to Mulla Sadra, beauty has objectivity and therefore we can talk about the originality of beauty in his philosophy. With Attention To Theory originality Existence Mulla Sadra And Definition the nature And existence, Beauty particle for direct object may power To two type appearance (plural) and Substantial (unity) division did Considering the importance of this issue, the purpose of this research is to identify the types of movement in architectural spaces and to analyze how to improve perception in mosques; Now, the key question is: What effect did the category of art and beauty have on Safavid architecture from Mulla Sadra's point of view? How does the vizier in the different perceptual levels of Safavid mosques promote the perception of matter to meaning? The current qualitative research is interdisciplinary with an analytical-interpretive approach and case study. In the research literature, first art and beauty from Mullah Sadra's point of view and its impact on Safavid architecture, and then through the analysis of philosophical texts and relying on Mullah Sadra's theory of essential movement, perceptual levels and types of movement have been explained and analyzed in the space of mosques. ; Finally, with an interpretive view and through a case study, the position of movement in the perceptual levels of three examples of Safavid era mosques in Isfahan has been examined. The spaces of the mosques, including Hakim Mosque, Imam Mosque and Sheikh Lotfollah Mosque of Isfahan, in the passage of time, a level of movement is arranged on the individual, which at first belongs to material and formal matters, but in the higher levels, it is the movement and evolution of the essence of the human soul. Perceptions belong to the inner layer.

Keywords :

Mulla Sadra, levels of perception of meaning, art and beauty, Safavid era architecture